

سیده نعیمه زینبی

کتاب کتیبه‌های ماندگار که در اردیبهشت ۱۴۰۱ به چاپ رسید، کتیبه‌های موجود در بعضی از بناهای تاریخی خراسان رضوی را معرفی کرده است. علی فرخی، کارشناس میراث فرهنگی و کارشناس ارشد تاریخ، در این کتاب به شناسایی، خوانش و بررسی هنری کتیبه‌هایی می‌پردازد که آیات و احادیث در آن نقش پررنگی دارند.

کتیبه‌های مسجد جامع گناباد، مسجد جامع یامنا ر سبزوار، مسجد جامع نیشابور، رباط شرف، میل ایاز و ارسلان جاذب از جمله کتیبه‌هایی است که فرخی بررسی کرده است. کتاب کتیبه‌های ماندگار در قطع رحلی است و ۳۶۰ صفحه دارد و در تیراژ هزار جلد

ازسوی اداره کل میراث فرهنگی به چاپ رسیده است. کار در حرم مطهر رضوی، فرخی را به‌سوی چاپ این کتاب سوق داده است. اومدت دو سال در حرم رضوی مشغول به کار بوده و همین حضور مستمر در آستان مبارک، توجه او را به کتیبه‌های زیادی که در حرم مطهر وجود دارد، جلب کرده است. پس از آن از آستان قدس رضوی به اداره میراث فرهنگی رفته و در این مدت به این باور رسیده که یک حلقه مفقوده میان معماری و متون قرآنی و مذهبی وجود دارد که کمتر به آن توجه شده است. فرخی می‌گوید: یکی از کارهای من، بازخوانی سندهای تاریخی است که نگاهم را به این سمت و سو جلب کرد که کتیبه‌ها را از نگاه علوم قرآنی بررسی کنیم.

ترتینات معماری بناهای تاریخی، گستردگی زیادی دارد. فرخی بر اساس دوره‌های تاریخی کتیبه‌های هفت قرن اول اسلامی را از این دیدگاه که چه موضوعی و مضمونی دارند مو شکافی کرده است. اومی‌گوید: هر چه از صدر اسلام به این سو، زمان گذشته، کیفیت اجرای کتیبه‌ها در بناها بهتر شده است. بناهایی که کتیبه در آن‌ها به کار رفته است، کارگرهای متفاوت مانند مسجد، مناره، برج، میل مناره، رباط و غیره دارند.

فرخی ابتدا اوضع موجود هر کتیبه را برداشت کرده و در این میان متوجه نکات نگزی شده است که برای او شبیه کشف و شهود بوده است. به‌طور مثال او متوجه شده که نوشته محراب یکی از کتیبه‌های رباط شرف آیت الکرسی است یا مناره میل ایاز سنگ بست که بنایی تاریخی از زمان غزنویان است، صده پله با فاصله ۳۲،۳۴ و ۳۳ قله قرار دارد که شبیه سسبیحات حضرت زهرا (س) است یا در مسجد یامنا ر اسامی پنج تن به خط کوفی نوشته شده که در بدنه مناره وجود دارد. کشف این نکات باعث شده است او جست وجو را ادامه دهد و مسئله کتیبه‌های تاریخی و ارتباطش با مضامین مذهبی برایش جدی شود. در این میان، کتیبه‌های رباط شرف، مجموعه سنگ بست، رباط ماهی، بابا لقمان سرخس، مسجد جامع گناباد، مسجد زوزن خواف، مسجد گنبد سنگان، میل خسروگرد در سبزوار، مسجد یامنا ر، برج رادکان، برج علی آباد کاشمر و دیگر بناهایی را که کتیبه‌های شاخص دارند، بررسی کرده است. اومی‌گوید: رویکرد ما در برخورد با کتیبه‌ها بیشتر مضمون و محتوای آن است. بعضی از کتیبه‌ها وقفی و بعضی احادیث و سوره‌های قرآن دارند؛ بعضی مانند کتیبه رباط شرف در سرخس، یادمان حاکم یا کسانی است که فرمان ساخت آنجا را داده‌اند. او اضافه می‌کند: از علوم قرآنی و تفسیر هم استفاده کرده‌ام که به بعضی از سوالات پاسخ بدهم، مثلاً اینکه سوره ملک در چه بخشی کاربرد داشته است. آیت الکرسی را چرا در محراب نوشته‌اند؟ فلسفه ایجاد و انتخاب یک متن در یک بنا خیلی شرط است. سازندگان باید مسلط بر موضوع باشند تا بتوانند متنی مرتبط با آن را انتخاب کنند.

در این کتاب، توجه به دو نکته باعث شده است که کتیبه‌ها مورد بررسی قرار بگیرند یا کنار گذاشته شوند، مسئله اهمیت آن کتیبه و همچنین وجود فیزیکی آن. او ادامه می‌دهد: بعضی از بناها کتیبه‌هایشان از بین رفته یا قابل خواندن نیست که بررسی آن از دستور کار ما خارج شد. به‌طور مثال در رباط زیارت مسجدی بوده است که مردم در آنجا روزنیا می کرده‌اند ولی چیزی از آن باقی نمانده است، پس در کتاب نیامد.

در بعضی از بناها حروف کتیبه افتادگی داشته که این کارشناس میراث فرهنگی پس از مراجعه به متون تاریخی یا باستان شناسان و با مطابقت کتیبه با مستندات موجود، متن آن را بازخوانی کرده است. او در روش میدانی و کتابخانه‌ای را برای این پژوهش در نظر گرفته و از منابع مختلف مانند اسناد میراث و کتابخانه‌ای و تفسیر المیزان و متون تاریخی انگلیسی و عربی و فارسی بهره برده است. فرخی در باره شیوه کارش اضافه می‌کند: من از سال ۸۰ کارشناس میراث فرهنگی بوده و در بعضی از بناها کار کرده‌ام. فریمان، تربت جام و سبزوار از شهرهایی بوده که من بناهایش را از نزدیک دیده و بررسی کرده‌ام.

او درباره چگونگی بررسی کتیبه‌ها در کتاب نیز توضیح می‌دهد: در کتاب افزون بر معرفی، معماری آن نیز بررسی شده است. سپس به کتیبه‌ها پرداخته‌ایم. در هر بنا موقعیت کتیبه‌های آن مشخص و تصویر و توضیحات مرتبط با آن در کتاب آورده و سپس نظرات علما و تفسیر آن برای تکمیل بحث نوشته شده است.

این کتاب که حاصل دو سال تلاش اوست، برای دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های مرتبط با تاریخ، باستان شناسی و معماری کاربرد دارد و عموم مردم نیز برای آشنایی با بناهای تاریخی و کتیبه‌های می‌توانند از آن استفاده کنند.



ثبت ملی همه آثار استان؛ شاید ۵ هزار و ۲۶۳ سال دیگر!

توجه به آمار اعلام‌شده مسئولان نشان می‌دهد، عدد و رقم‌ها نمی‌تواند متر و معیار مناسبی برای تصمیم‌گیری باشد



چهارطاقی یازدهر در عتبات اولین، بنای ۲۴۰۰ ساله و ۱۳۰۰ ساله در فهرست آثار ملی ثبت شد

است، اگر اثری را ثبت کنند، بعد در حریم آن ساختمان بسازند، یا تغییر کاربری بدهند، یا یک نگهبان ساده و راه مناسب برای بازدیدند داشته باشد و کسی نتواند برودن آن را ببیند، چه ارزشی دارد؟

وقتی ثبت ملی موجب تخریب می‌شود در میان موافقان و مخالفان سرعت دادن به ثبت آثار ملی، مسعود اعلم صمیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه شاندیز، اصل ماجرا را مورد پرسش قرار می‌دهد و می‌گوید: به‌نظرم سؤال اساسی این است که چرا ثبت آثار در فهرست میراث ملی باعث خدادن اتفاق مثبتی برای آن اثر نمی‌شود؟ او ادامه می‌دهد: اکنون وقتی اثری ثبت ملی می‌شود، به جای قوانین حمایتی، بیشتر قوانین بازدارنده و محدوده کنند برای آن رقم می‌خورد، یعنی اگر خانه‌ای ثبت ملی شود به جای اینکه برای مرمت و نگهداری آن بود چه تخصیص داده شود، خرید و فروش و تعمیرات آن را طبق ضوابط محدود می‌کنند، بنابراین اگر کسی در آن خانه زندگی کند و دیوار خانه‌نم بزند، نمی‌تواند به راحتی آن را مرمت کند چون میراث نیز بودجه‌ای ندارد، دیوار به همان شکل می‌ماند و بیشتر موجب تخریبش می‌شود. به همین دلیل بعضی از قوانین بعد از ثبت استفاده می‌شود که به‌نوعی به تخریب کمک می‌کند.



مزار خواجه عبدالرزاق، در روستای گاه‌چناران، در ۴ خرداد ۱۴۰۰ با شماره ۳۳۳۴۶ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد

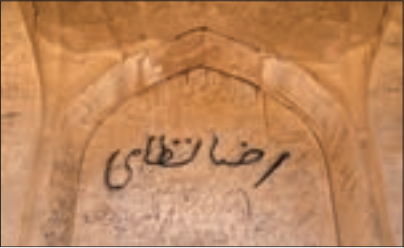
شاخصه‌های ثبت ملی باید بازتعریف شوند مدیر مرکز خدمات تخصصی گردشگری جهاد دانشگاهی، خواستار بازتعریف برخی شاخصه‌های ثبت آثار در فهرست میراث ملی می‌شود و می‌گوید: قدمت یکی از شاخصه‌های ثبت ملی آثار است که اکنون عدد صد سال را در نظر گرفته و گفته‌اند هر چیزی بالای صد سال قدمت داشته باشد، باید ثبت ملی شود اما در زمانه‌ای که سرعت فناوری فاصله دهه‌ها را تغییر می‌دهد، باید شاخصه‌های فرعی دیگری هم به قدمت اضافه کرد.

او ادامه می‌دهد: در برخی نقاط کشور مانند شیراز و اصفهان با آثار با قدمت بیشتری روبه‌رو هستیم، در چنین شهرهایی شاید خانه صد ساله کارکرد چندان هویت‌سازی نداشته باشد، اما همین خانه در شهری مثل مشهد که بیشتر آثار آن تخریب شده ارزش هویتی پیدا می‌کند. بنابراین این شاخصه‌ها به خیلی از موارد دیگر بستگی دارد و نباید آن را تنها به یک عدد قدمت وابسته کرد.

برای هزار و خرده‌ای اثری که ثبت شده است، چه کردید؟

صمیمی سپس با اشاره به آمار اعلام‌شده از سوی مسئولان می‌گوید: گاهی اعداد برای معنادادن به کلمات استفاده می‌شود، مثلاً صدگولی می‌گوید صد هزار اثر هنوز ثبت نشده است، بی‌شک منظور عدد دقیق صد هزار تان نیست، شاید یک نفر بپرسد چرا صد هزار ویکی نباشد؟ این عدد از کجا آمده؟ به‌نظر می‌رسد این اعداد بیشتر به معنای تعداد بی‌شمار باشد. به‌نظرم به جای اینکه بخوایم روی عدد تمرکز کنیم، باید بگوییم برای این هزار و خرده‌ای اثری که تابه‌حال ثبت شده است، چه کرده‌اید؟

می‌گوید: برخی از بناهای استان را به اسم مرمت، گچ و کاهگل کرده‌اند، در حالی که بیشتر تخریب‌بوده است تا مرمت. بنابراین همواره باید کیفیت را مدنظر قرار دارد. وضعیت نامناسب بسیاری از آثار ثبتی موضوعی است که دکنتر زاقیان با مثالی به آن اشاره می‌کند: در گل‌مکان اثری ثبت ملی شده است، اما شمار پروید و وضعیتش را ببینید: دلتان نمی‌خواهد و ران شوید. همه دیوارهایش پر است از یادگاری نوشته و محیطی کثیف. علت هم این است که ماز یاد از این آثار داریم. شاید اگر تعداد آثارمان مانند بعضی کشورهای خارجی کم بود، بهتر می‌توانستیم به این آثار رسیدگی کنیم. برای‌شان تبلیغ کنیم و تور گردشگری بگذاریم. اما ثبت متعدد آثار باعث شده است امروز گردشگر به یک چهارطاقی که می‌رود بگوید این شبیه مکان قبلی بود. بنابراین تشویق نمی‌شوند بروند سایر آثار را ببینند، بودجه کافی هم که برای نگهداری آن‌ها نیست، به همین دلیل حضور گردشگران در آثار تاریخی بیشتر موجب تخریب آن‌ها می‌شود.



مقبره عبدالرحمان گهواره، در روستای نورزادگلمکان، در ۲۵ آذر ۱۳۷۵ با شماره ۱۸۱۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد

میراث ناملموس و ملموس را نباید با هم جمع یزنیم زراقیان، کمی گرابی را شامل میراث ناملموس هم می‌داند و می‌گوید: در برخی شهرستان‌ها جشنواره‌ای می‌گذارند، چهار نوع خوراک درست می‌کنند و بعد آن‌ها را ثبت می‌کنند. اما باید دید این ثبت چقدر تأثیرگذار است و به‌جز جمع حاضر در آن جشنواره و مأمور ثبت دیگر چه کسی آن میراث را می‌شناسد. یکی از شاخصه‌های اصلی در ثبت ملی آثار این است که نزد عامه مردم و عرف، مورد احترام یا توجه خاص و شأن ملی باشد. حال آنکه برخی آثار ثبت شده در فهرست میراث ملی را حتی همان مردم محلی هم درست نمی‌شناسند. این استاد دانشگاه ادامه می‌دهد: این خوراک‌ها را مقایسه کنید با میراث ناملموسی چون جشن نوروز، مهرگان و دیگر جشن‌هایی که با دیگر کشورهایای ثبت جهانی آن رقابت می‌کنیم.



مسجد تاریخی روستای گاه‌چناران در ۱۹ اسفند ۱۳۹۹ با شماره ۳۳۳۴۶ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد

اولویت ثبت باید با آثاری باشد که سالم‌ترند زراقیان در پاسخ به این سؤال که اولویت ثبت باید با چه آثاری باشد، می‌گوید: آثاری باید ثبت بشود که مشخص‌کننده یک سبک خاص فرهنگی، آلمیمی، شرایط ویژه زندگی در یک دوره خاص باشد، یعنی تعریف میراث فرهنگی را در خود داشته باشد. بعد از آن باید از میان آثار با شاخصه‌های یکسان بهترین و سالم‌ترین را در فهرست قرار دهیم، برخی از آثار تکراری است یا اینکه ۷۰ درصد آن تخریب شده است، چنین اثری دیگر ارزش ثبت ندارد. در پایان نیز دوباره برمی‌گردم به موضوع نگهداری که بسیار مهم‌تر از ثبت

بالا و پایین شدن‌های سلیقه‌ای، جایگاه خود را از دست داده‌اند و تنها پارامتری شده‌اند برای رقابت میان مدیران!

کیفیت مهم است یا کمیت؟ تا پیش از انقلاب در کل کشور هزار و ۶۵۰ اثر ثبت شده بود، اما اکنون تنها در خراسان رضوی بیش از هزار و ۱۷۰۰ اثر ثبت شده است. نگاهی به آمار نشان می‌دهد در سال‌های پایانی دهه نود خورشیدی، ثبت آثار در فهرست میراث ملی سرعت بیشتری هم گرفته، چنان که تنها در سال ۹۸ حدود ۸۷ اثر در فهرست آثار ملی ثبت شده و در سال ۱۴۰۰ نیز ۶۰ اثر در این فهرست جای گرفته است. این آمار از یک‌سومی توان‌نشان دهنده توجه بیشتر مسئولان به حمایت از آثار ملی و مایه امیدواری باشد، اما از سوی دیگر، این پرسش را مطرح می‌کند که چقدر شاخصه‌های ملی در ثبت این آثار رعایت شده است؟

بعید به‌نظر می‌رسد کسی در اصل ثبت معرفی، نگهداری و حمایت از آثار ملی شکی داشته باشد، نقطه تردید آنجاست که ببینیم چقدر قانون حمایت و نگهداری از آثار ثبت‌شده اجرامی شود و آیا این موارد بی‌شماری که اکنون در فهرست آثار ملی استانمان جای گرفته‌اند، شاخصه‌های ثبت ملی را دارند یا خیر؟ به‌تازگی جلسه‌ای در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری تهران برگزار شده و در آن جلسه، مصیب امیری، رئیس این پژوهشگاه، از آن سهمیه‌بندی ثبت آثار استان‌ها انتقاد کرده و خواستار سرعت‌بخشیدن به روند ثبت آثار شده است. پیشنهاد او آسان گرفتن

در آن جلسه، مصطفی پوری‌علی، مدیر ثبت و حریم آثار، نیز تعداد آثار ثبتی کشور را در مقایسه با سابقه تمدنی ایران را بسیار کم دانسته و گفته است نسبت به کشورهای با تمدن‌های مشابه در این حوزه کمتر و ضعیف‌تر عمل کرده‌ایم.

این درحالی است که برخی از کارشناسان توجه به کمیت و ارتقای صرف تعداد آثار ثبت‌شده راه‌حلی مناسب برای حفاظت از آثار ملی نمی‌دانند.

نگهداری از آثار ملی، مهم‌تر از ثبت آن‌هاست دکتر فرزانه زراقیان، عضو هیئت علمی و استاد یار پژوهشی جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، که در هر پژوهشی، آثار ثبت‌شده و نیازمند مرمت و همچنین آثار شناسایی‌شده و ثبت‌نشده خراسان رضوی را بررسی کرده، معتقد است: مهم نیست چند اثر ثبت می‌شود، مهم این است که از چند اثر نگهداری می‌کنند. اعداد و ارقام یک چیز

می‌گوید، اما وضعیت کیفی چیزی دیگر. برخی فکر می‌کنند هر چه تعداد آثار ثبت‌شده استانی بیشتر باشد، آن استان، کیفیت و قدمت آثار ثبت‌شده استانی بیشتر باشد، آن استان، کیفیت و قدمت بیشتری از لحاظ میراث فرهنگی دارد یا جاذبه گردشگری بیشتری دارد و تور نیست بیشتری جذب می‌کند اما در اصل باید ببینید از این تعداد آثار ثبت‌شده، چقدر درست نگهداری و مرمت می‌شود

چقدر درست نگهداری و مرمت می‌شود؟ او سپس با اشاره به اطلاعات به‌دست‌آمده بر اساس پژوهشی که همراه با گروهش انجام داده است، ادامه می‌دهد: ما با اداره میراث فرهنگی هر شهرستان که صحبت می‌کردیم و وضعیت میراث فرهنگی و بناها و جاذبه‌های ملموس را می‌پرسیدیم، بیشترشان از این گلایه می‌کردند که ما تعداد زیادی اثر داریم که شناسایی شده اما ثبت نشده است و تعداد زیادی اثر داریم که وضعیت نگهداری مناسبی ندارد و نیاز به بودجه داریم ولی آن قدر بودجه کم است که ما حقوق کارمندانمان را هم به زحمت می‌پردازیم. این پژوهشگر سپس با اشاره به مرمت‌های غیراستاندارد



خانه‌ناظران در ۱۸ مرداد ۱۳۸۴ با شماره ۱۳۳۸۹ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد

وقتی اعداد، ابزاری برای رقابت می‌شوند! ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ «چهارطاقی یازدهر» به‌عنوان اولین اثر مشهود خراسان با شماره ثبتی ۳۹ در فهرست میراث ملی جای گرفت. از آن تاریخ تا کنون هر سال با افزاو فرود، بر تعداد آثار ثبتی خراسان رضوی افزوده شده و شمار آثار ثبت‌شده این استان را به رقمی در حدود ۱۷۶۰ اثر رسانده است.

می‌گوییم حدود، زیرا آثار اعلام‌شده با تکیه بر گفت‌وگوی مسئولان وقت میراث فرهنگی با رسانه‌ها تهیه شده است، بنابراین اگر متر و معیارمان را بر اساس همین صحبت‌ها پهن کنیم، می‌توانیم به نتایج جالب توجهی برسیم. بنابر اظهارات ابوالفضل مکرمی‌فر، مدیر سابق میراث فرهنگی خراسان رضوی، در تاریخ ۱۴ اسفند سال ۹۶ با خبرگزاری ایرنا، «هنوز ۱۰۰ هزار اثر شناسایی‌شده و ثبت‌نشده در خراسان رضوی وجود دارد»، اگر به چنین حرفی اعتماد کنیم، به این معناست که ۵ هزار و ۶۲۳ سال دیگر زمان لازم است تا همه آثار این استان در فهرست میراث ملی ثبت شود، زیرا از سال ۱۳۱۰ تا ۱۴۰۱ به‌طور میانگین ۱۹ اثر در فهرست میراث ملی جای گرفته است و اگر با سرعت میانگین ۹۱ سال اخیر پیش‌رویم، تنها بعد از گذشت این زمان طولانی است که خیالمان می‌تواند بابت ثبت همه آثار تاریخی، فرهنگی، طبیعی، معنوی و منقول راحت شود و بعد از آن تنها باید نگران محافظت از این آثار باشیم.

اما با تکیه بر صحبت‌های همین مسئول می‌توانیم پی ببریم معطوف کردن همه برنامه‌ریزی‌ها به آمار خطاست. ابوالفضل مکرمی‌فر در اسفند سال ۹۹ دوباره با خبرگزاری ایرنا، گفت‌وگو کرده و این بار تعداد محوطه‌ها، بناها و آثار تاریخی و فرهنگی قابل ثبت در خراسان رضوی ۱۰ هزار عدد دانسته است، یعنی با گذشت سه‌سال تعداد آثار دارای ارزش ثبت از نگاه ایشان ده‌برابر کم شده است. البته برای تأکید بر خطا بودن برنامه‌ریزی بر اساس آمار اعلام‌شده از سوی مسئولان، نیاز به این همه حساب‌و‌کتاب نیست. ابوشان در همان مصاحبه تعداد آثار ثبت‌شده در فهرست میراث ملی خراسان رضوی تا سال ۹۹ هزار و ۷۰۰ عدد دانسته بود و بعد در ادامه جزئیات آمارش را چنین شرح داده بود: از سال ۱۳۱۰ تا کنون ۹۳۰ بنای تاریخی، ۴۷۱ تپه و محوطه تاریخی، ۵۸ مورد میراث معنوی، ۲۸ مکان رویداد انقلاب اسلامی، چهار اثر طبیعی و دو اثر منقول در فهرست آثار ملی خراسان رضوی ثبت شده است.

حال اگر همین اعداد اعلام‌شده از سوی او را با هم جمع یزنیم، به رقم هزار و ۴۹۳ می‌رسیم؛ یعنی در این میان ۱۲۰۷ اثر در هیچ دسته‌ای حساب نشده است. همه این‌ها را گفتیم تا دوباره به آمار برسیم، به روایتی به آمارسازی. چندسالی می‌شود علاقه مسئولان به اعداد و ارقام باعث شده است از هر تلاشی برای بالا بردن آن فروگذاری نکنند. این عدد و رقم‌ها اگرچه در اصل باید مبنای تصمیم‌گیری ماقرار گیرد، با

مزیت‌های ثبت ملی یک اثر

از نگاه حقوق دانان تا فعل یا عملی ثبت نشود، همیشه در مظان از بین رفتن، به‌فراموشی سپردن و نابودی است. ثبت آثار تاریخی و فرهنگی دو مزیت کلی دارد، اول اینکه مالکیت اثر را شیء مشخص و مبرهن می‌شود که از منظر حقوقی مالکیت از مهم‌ترین حقوق شناخته شده است. دوم اینکه با ثبت ملی اثر بر همگان معلوم می‌شود که حاکمیت یک کشور نسبت به حفظ و نگهداری آن اهمیت قائل است و بر خود واجب می‌داند از آن حمایت و حفاظت کند و از نابودی یا سرقت و از بین رفتن آن با استفاده از مجریان قانون و ضابطین قضایی جلوگیری خواهد کرد.

تبعات ثبت ملی یک اثر

برابر با قانون، مخارج حفاظت از بناهای ثبت‌شده بر عهده دولت است، یعنی یادولت باید همه آثار تاریخی را بخرد و حفاظت کند که ممکن نیست، یا باید برای مالکان آثار تاریخی امتیازاتی قائل شود، ولی در عمل هیچ‌یک از این کارها صورت نمی‌گیرد، و از آن سوما لکان نیز اجازه مرمت آثار خود را بدون اجازه دولت ندارند. با این وصف، ثبت یک اثر در فهرست آثار ملی برای مالکان خصوصی، به‌منزله از میان رفتن حقوق مالکانه است و از همین رو، از اواسط دهه ۷۰ که روند ثبت آثار ملی شدت گرفت، روند تخریب آثار تاریخی هم سرعت پیدا کرد.

